

تدارک تلویزیون برای بلندترین شب سال برنامه‌های سیما رنگ یلدا می‌گیرند

۱۲



ورزش

پرسپولیس - اولسان در فینال آسیا

رقابت ۸ میلیون دلاری

استقلال به دنبال حفظ صدر در نصف جهان

صف آرایی سربازان

«شهر خودرو» مقابل «قلعه ژنرال»



پایان مرحله اول دور برگشت لیگ هندیال
اقتدار نیروی زمینی و مس
در صدر جدول

۱۲



نگاهی به چند فیلم اکران شده در چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند «حقیقت»

از صفر مرزی

تا ارتفاعات جنوبی

رسانه‌های ضد ایرانی از چه روش‌هایی برای بی‌گناه جلوه دادن «زم» استفاده کردند؟

مثل پاک کردن کله پاچه!

افزود آگاه... خب... حالا چند روز هم از ماجرای اعدام «نیما زم» می‌گذرد و هم از ماجراها و داستان‌هایی که خیلی از شبکه‌های خبری آن طرف آب تلاش کردند پس از اعلام خبر اعدام، راه بیندازند. یعنی امروز که موج‌ها آرام گرفته‌اند، شما چه موافق اعدام «زم» بوده باشید و چه مخالفش، فرصت دارید هم به «زم» و کارهایش و هم به جنگ روانی‌ای که در این زمینه به راه افتاد، خوب فکر کنید. با یادآوری این نکته که «زم» به صورت رسمی علیه مردم ایران فعالیت می‌کرد، افراد را برای درگیری‌های خیابانی و استفاده از سلاح‌های سرد آموزش می‌داد، با دولت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی خارجی علیه منافع مردم کشورش همکاری داشت و اقدام مسلحانه علیه مراکز نظامی کشور را دنبال می‌کرد و... توجه شما را به مطلبی جلب می‌کنیم که روز گذشته باشگاه خبرنگاران جوان درباره این جنگ روانی به راه افتاده منتشر کرد. خواندنش از این نظر خوب است که سواد رسانه‌ای شما را تقویت می‌کند و خیلی ساده و واضح می‌گوید دشمن این‌چنین مواقع با چه سلاح و روش‌هایی به میدان می‌آید تا یک مجرم یا جنایتکار و خائن را تطهیر و پاکیزه‌سازی کند. درست مثل گز دادن و تمیز کردن کله و پاچه که از عنصری پر از پشم و پيله، برای شما خوراکی ترو تمیز و خوشمزه فراهم می‌کند تا حین خوردنش حتی لحظه‌ای به وضعیت کله و پاچه پیش از گز دادن فکر نکنید!

تکنیک تحریک عواطف

در این تکنیک، رسانه با ارائه پیام‌های عاطفی و احساسی کردن اوضاع، حس همدردی مخاطبان خود را برمی‌انگیزاند. این تکنیک به‌خصوص در مواقعی استفاده می‌شود که رسانه، توانایی استدلال منطقی برای جلب نظر مخاطب را ندارد. پس از اعدام زم، برای برانگیختن احساسات مخاطبان، عکس‌های دوران کودکی او به همراه خاطره آخرین دیدارش با خانواده منتشر شد؛ نقل خاطره نماز خواندن وی در شب اعدام نیز در همین راستا بود. برخی رسانه‌ها نیز بدون آنکه سندی ارائه دهند، ادعا کردند روح الله زم در زمان اعدام در حال اعتصاب غذای خشک بوده است!

بدیهی‌انگاری

تکنیک دیگری که برای جانداختن یک ادعا بدون ارائه استدلال منطقی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بدیهی‌انگاری است. به این صورت که موضوعاتی را بدیهی در نظر می‌گیرند و از آن نتیجه‌گیری می‌کنند. یعنی به مخاطب این اجازه را نمی‌دهند

از زبان دیگران
در این تکنیک، پیامی که قرار است به مخاطبان ارسال شود، از طرف منبعی تولید می‌شود که به‌ظاهر بی‌طرف است. یعنی رسانه‌ها در این تکنیک تلاش می‌کنند حرف خود را از زبان یک منبع به ظاهر خوشنام بزنند. برای مثال تأکید بر محکومیت اعدام زم توسط گزارشگران بدون مرز یا سازمان عفو بین‌الملل، مصادیقی از اجرای این تکنیک بوده است.

تکنیک مسخره کردن

در این روش، مجری عملیات روانی با به‌سخره گرفتن موضوع، قدرت فکر کردن و تحلیل موضوع را از مخاطبان پیام خود می‌گیرد. به‌سخره گرفتن، خود نوعی از بدیهی‌انگاری است. در این تکنیک، تنها قسمتی از واقعیت که ظرفیت به‌سخره گرفتن را دارد، به‌صورتی کاریکاتوری برجسته و همین قسمت هم به‌عنوان همه واقعیت نمایش داده می‌شود. تمسخر قاضی صلواتی، ریاست دادگاه محاکمه روح‌الله زم، مصداق اجرای این عملیات در واقعه اخیر است. بر اساس این تکنیک، مهم‌ترین قسمت واقعیت و استدلال طرف مقابل، پنهان می‌شود و تنها بخشی از آن به‌عنوان همه واقعیت معرفی می‌شود. مثلاً در ماجرای اعدام روح‌الله زم، جنایت‌های اصلی او به ترویج خشونت و اقدام علیه امنیت ملی مربوط می‌شود؛ اما رسانه‌های بیگانه به نحوی فضاسازی می‌کنند که گویی زم را تنها به‌خاطر اطلاعاتی که در کانال تلگرامی‌اش منتشر کرده بود، اعدام کرده‌اند.

وارونه‌سازی

در این تکنیک، رسانه‌ها اطلاعات غیرواقعی، مخدوش و غلط را منتشر می‌کنند تا تصویری نادرست از واقعیت در ذهن مخاطبان ایجاد کنند. آن‌ها با دستکاری و تحریف اطلاعات، سفید را سیاه، زشت را زیبا، اشغالگری را آزادی‌بخشی و آزادی‌خواهی را تروریسم معرفی می‌کنند. در ماجرای اعدام زم، بدون اشاره به سابقه او در ترویج خشونت، جاسوسی و تلاش برای اقدام مسلحانه، او را فقط یک مخالف سیاسی و روزنامه‌نگاری مظلوم معرفی کردند. این رسانه‌ها با تکرار مداوم واژه روزنامه‌نگار، تلاش کردند این حقایق را که او برای حمله موشکی به مراکز ایران برنامه داشت، به مخاطبان‌شان ساخت مواد منفجره برای استفاده در خیابان‌ها را آموزش می‌داد، با سرویس‌های اطلاعاتی غربی ارتباط برقرار کرده بود و حتی برایش تیم حفاظتی گذاشته بودند و... را پنهان کنند.



در مقاماتی که از آن نتیجه‌گیری شده، تردید کند. در فضاسازی روانی که درباره اعدام زم اتفاق افتاد، رسانه‌های اپوزیسیون «اجباری بودن اعتراف‌های همه محکومان قضایی» را بدیهی گرفتند و بدون اینکه این ادعا را اثبات کنند، بر مبنای آن، اعترافات روح‌الله زم را فاقد اعتبار معرفی کردند.

انسانیت‌پر

در این تکنیک، رسانه‌ها تلاش می‌کنند تصویری ضد انسانی از سیستم ارائه دهند و این‌طور جا بیندازند که اصول اخلاقی و حقوقی توسط حکومت رعایت نشده است. انسانیت‌زدایی موجب ایجاد نفرت در مخاطب می‌شود و همین نفرت، زمینه‌های اعمال خشونت‌آمیز را فراهم می‌کند. در ماجرای اعدام روح‌الله زم، رسانه‌های اپوزیسیون تلاش کردند از دستگاه قضایی انسانیت‌زدایی کنند. این رسانه‌ها بدون اینکه برای ادعای خود مبنایی ارائه دهند، به‌صورت گسترده روی این موضوع مانور دادند که زم امکان تماس با خانواده‌اش را نداشته و شب پیش از اجرای حکم، از اعدام خود بی‌اطلاع بوده است. جمله معروفی است که می‌گوید: «بی‌بی‌سی در ۹۹ درصد اوقات راست می‌گوید تا مردم دروغش را در یک درصد باقیمانده باور کنند». به‌طبع رسانه‌ای که همه اخبارش جعلی باشد نمی‌تواند مورد اعتماد مخاطب باشد. منبع عملیات روانی همواره دروغ نمی‌گوید؛ بلکه تلاش می‌کند راست و دروغ را با هم آمیخته کند. برای مثال بی‌بی‌سی در ماجرای اخیر، چهره‌ای بی‌طرف به‌خود می‌گیرد و در یک جمله می‌نویسد: «البته آمدنیوز اخباری هم منتشر کرد که صحت نداشتند!»

هفتواانه

فرش قرمز، خون قرمز

جمعه: با یکی از جانبازان دفاع مقدس جلسه‌ای کاری داشتیم همراه با گپ و گفت. قسمت رسمی و جلسه‌ای‌اش، برخلاف دیگر جلسات که بیشتر به تعارفات و گل و بلبل گفتن می‌گذرد، با جر و بحث و انتقادهای جدی به دیدگر گذشت و حسابی توی سروکله هم زدیم. جالب اینکه آخر جلسه، موقع گپ و گفت، هر دو از نتیجه جلسه راضی بودیم و دلخوری هم نداشتیم!



شنبه: پیش‌بزرگی بودم و از بی‌میلی‌ها و کم‌بها دادن مسئولان به بچه‌های جهادی گلایه کردم. اوابته نگاه خوبی داشت و می‌گفت: «حتی بعضی نزدیکان امام حسین (ع) هم به ایشان بی‌محلی کردند. مرد او نه که تو همین سختی‌ها و بی‌میلی‌ها و بی‌محلی‌ها رشد کنه. تو این مسیر برای کسی فرش قرمز پهن نکردن ولی خون قرمز خیلی ریخته شده!»

یکشنبه: خلاقیت حتماً نباید شاخ و دم داشته باشد! من همیشه با دیدن افرادی که در کارهای ساده‌شان هم خلاقیت دارند و با عشق و اشتیاق کامل آن را انجام می‌دهند سرکیف می‌شوم. امروز جلو رستورانی اطراف حرم پیروم خنده‌رویی را دیدم که با صدایی دلنشین می‌خواند: «غذای ما عالی‌ه، برنجمون ایرانی‌ه، جای شما خالی‌ه!» در همین حال با تک تک عابران هم ارتباط چشمی برقرار می‌کرد. اگه رستوران داشتیم حتماً جذبات می‌کردم!

دوشنبه: از تیزر تبلیغاتی برای سس تولیدی یکی از شرکت‌های مواد غذایی (ما جایزه نمی‌دهیم، ما تخفیف نمی‌دهیم...) هم می‌شود الهام گرفت! مثل خود من که تصمیم گرفتم در کارهای فرهنگی‌ام، کیفیت و جذابیت چیزهایی مثل «زیارت، نماز، مسجد و...» را برای مخاطبان اصل قرار دهم نه اینکه حتماً کارت امتیاز و جایزه و این جور چیزها را آن قدر مهم و بزرگ جلوه دهم که مفهوم نماز و زیارت شوند اولویت‌های بعدی! الان هم برای جذب نوجوانان نه کارت امتیاز می‌دهیم و نه هیچ چیز دیگری.

سه شنبه: یکی از دوستان آمده بود برای مشورت. خواست برای یک حرکت مؤثر در فضای مجازی سوزهای پیشنهاد کنم و جوری باشد که در زمان کمی، مخاطب زیادی جذب کند. اول از همه سوز مسجد را دادم. همان اول پس‌زد! می‌گفت موضوع مسجد قابلیت فضای مجازی ندارد! فضای مجازی هم ظرفیت مطرح کردن مسجد را ندارد! به نظر شما درست می‌گفت یا خودش ایده و توانی برای کار کردن درباره مسجد نداشت؟

چهارشنبه: راننده تاکسی به محض اینکه سوار شدم اجازه خواست سیگار بکشد. می‌گفت: «به حال و روز الان نگاه نکن. من یک عمری فوتبالیست بودم و ورزشکار. در تیم‌های مختلف استانی و کشوری توپ زدم. ولی چه کنم که رفقای بد، ما رو از زمین زندگی شوت کردند بیرون و الان به این حال و روز افتادم. ای کاش چشم‌هامو باز می‌کردم و از همون اول ضربه‌های ناجورمانده‌ای که بهم می‌زدند رو متوجه می‌شدم و با کارت قرمز از زندگانی‌ام اخراجشون می‌کردم!»

یادداشت‌های چرخدار
annotation@qudsonline.ir
عباسعلی سپاهی بونسی

رکابزنی در جنوب شرق (قسمت آخر)

و من هنوز در سفرم



شب اول اقامت در بندرعباس تصمیم می‌گیرم سری به جزیره هرمز بزنم. ساعت ۶ صبح کوک می‌کنم تا بتوانم ساعت ۷ به اولین اتوبوس دریایی برسم. ۱۰ کیلومتری تا اسکله راه داریم و به اسکله که می‌رسیم از ساعت ۷ صبح ۱۰ دقیقه‌ای گذشته است. نگهبان ورودی از مقصدمان می‌پرسد و وقتی می‌گویم می‌خواهیم به هرمز برویم، می‌گوید: هرمز هنوز تعطیل است؛ یک هفته دیگر تمدید کرده‌اند که کسی به هرمز نرود، اما باز هم می‌توانید یک نفرتان برود از داخل بپرسد. خانمی که پاسخگوی مراجعه‌کنندگان است می‌گوید: سفر به هرمز برای غیربومی‌ها ممنوع است.

برمی‌گردیم و تصمیم می‌گیریم سری به بازار ماهی‌فروش‌ها بزنیم که نزدیک اسکله است.

عاشق دیدن ماهی‌ها هستم اما بازار ماهی هم تقریباً نیمه تعطیل است و غرفه‌های زیادی ماهی ندارند. ادامه روز را به رکابزنی در ساحل و گشت و گذاری در بازار قدیمی شهر و سر زدن به چند دوچرخه‌فروشی سبزی می‌کنیم. دوست دارم بدانم وسایل دوچرخه در بندرعباس چه قیمتی دارد. چند وسیله را قیمت می‌کنم و با فرسوده‌ها گپی می‌زنم. متوجه می‌شوم وسایل خود را از تهران وارد می‌کنند نه از کشورهای همسایه. به این نتیجه می‌رسم که با مشهد تفاوتی ندارد و چیزی هم نمی‌بینم که در مشهد ندیده باشم.

فردا باید ساعت ۱۵:۳۰ خودم را برای برگشت به راه‌آهن برسانم. اول هم باید بروم دوچرخه‌ام را به انبار توشه تحویل بدهم. از طریق یکی از آژانس‌ها شماره انبار توشه راه‌آهن را پیدا می‌کنم تا بدانم چه ساعتی دوچرخه را باید تحویل بدهم.

در همان تلفن با دوستی به نام سلیمانی آشنا می‌شوم که از قضا اهل خبر و نوشتن است و همین می‌شود پنهان و دلیل دوست شدن ما که در بارگیری دوچرخه هم راهنمایی‌ام می‌کند و هم کمک. هزینه ارسال دوچرخه‌ام با بیمه‌اش می‌شود ۲۶۶ هزار تومان ناقابل. دوباره برمی‌گردم به شهر و با دوستم سروش بختیار سری به یکی دو مرکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست می‌زنیم و همچنین برای گت‌وگو با مدیر یکی از گروه‌های جهادی به حاشیه شهر بندرعباس می‌روم و صحنه‌هایی می‌بینم که پر از غم و غصه است.

حالا عصر است و در قطار بندرعباس به مشهد نشسته‌ام. قطار دارد مرا برمی‌گرداند سمت مشهد و من هنوز انگار در سفرم. در دهکپان، قلعه گنج، چاه زردان، ناهوگان، منوجان، رودان و... .

روزمره نگاری

دوای دردمان

رقیه توسلی: به سال نشدن‌ها فکر می‌کنم. باران می‌زند... رگباری. امروز تولد داریم. جای اینکه بروم دنبال خواهری برای برنامه‌ریزی و خرید، نشستام و در دل شوفاز زیر پنجره. جای اینکه کلاه بوقی به سر، روی بادنک‌های رنگی فریدجان بنویسیم

و کادوبارانش کنیم، هر کدام گوشه‌ای از شهر چپیده‌ایم توی گوشه‌ی طفلکی مولود بی‌خاله و عمه و عمو و دایی!

تبریک‌های مجازی هم که عین بغض است. جای اینکه به سیاق هر پاییز، توی یکی از هتل‌های نزدیک حرم بایستم و پرده را بدهم کنار و حالم خوب باشم، جای اینکه به «عزیز» می‌زنم بزنم گزارش کار بدهم، بنالیم، بخرم، بپرسم، از فلان و بهمان بگویم، در سکوت فقط دارم قربان عکس‌های یادگاری می‌روم.

مثل همیشه نیستم. دستم به کتاب و فیلم نمی‌رود. حوصله آشپزخانه و کیک و وانیل ندارم. ویرم نمی‌گیرم احوالپرس رفا باشم. سفارش ترجمه نمی‌پذیرم. دوره‌ی مجازی را رد می‌کنم. برعکس هر شب، حال را چراغانی نکردم و انگار خانه، لوکیشن فیلمی است در کرنا که قرار است کارگردانش امر کند در کدام جهت همچنان به خیرگی و بهتم ادامه بدهم.

چای سبز دم کرده‌ام. اصلاً این چای، مال همین روزگار نیاید و نتوانستن‌هاست. اما قلبی نوشیده‌ام که رعدوبرق، زهره ترکم می‌کند و جاکن می‌شوم. رنگ از صورت خودم و لیوانم می‌پرد. اما چه خوب و ضربتی و باشکوه تلنگر می‌خورم... اولین بار است این قدر رعد و برق را دوست داشتمی می‌بینم... خداست به‌گمانم... دارد حالی‌ام می‌کند

آهای آدمیزاد! دوباره که مهربانی و امید فراموش شد! گوشه‌ی ام‌زننگ می‌خورد. خواهری است. می‌گوید می‌ترسد. مدتی است حالش ناخوش است و فراموشی پراکنده گرفته. می‌گوید شاید استرسش بالااست، شاید آرزایم گرفته، شاید... می‌پریم توی حرفش... مانده جان! فکر کنم غربت‌زده شده‌ایم. زیارت، دیدار، دواي دردمان است.



«تنت» شخصی ترین فیلم «نولان»



فیلم جدید کریستوفر نولان همچون سایر تولیدات این کارگردان با بحث و نقدهای فراوانی روبه‌رو بوده؛ اثری که شاید به تعبیری بتوان آن را پیچیده‌ترین فیلم این کارگردان سینمای آمریکا قلمداد کرد و البته بیشتر مؤلفه‌های فیلم‌های کریستوفر نولان را نیز داراست. کارنامه نولان پربر است؛ از سه‌گانه شوالیه تاریکی بگیرید تا تلقین و پرستیز؛ همه و همه آثاری هستند که تا مدت‌ها صفحات مجلات و سایت‌های معتبر و درجه یک سینمایی را در سطح دنیا به خود مشغول داشته‌اند و این نشانگر این است که نولان و آثارش زنده هستند.

اما اگر مشخصاً بخواهیم در مورد تنت صحبت کنیم به عنوان مؤلفه نخست باید عنوان کرد که ویژگی‌های داستانی فیلم و لایه‌های تودرتوی داستانی آن تا حدود زیادی برقراری ارتباط مخاطب عام با فیلم را سخت کرده و فیلم را بیشتر در سطح نخبگانی و مخاطب خاص سینما قرار داده؛ فضاسازی‌های صورت گرفته در فیلم بارها و بارها شما را به یاد فیلم «تلقین»، دیگر اثر معروف نولان می‌اندازد؛ رگه‌های جیمز باندی موجود و مشهود در فیلم نیز سنتز دیگری در اثر جدید نولان ایجاد کرده که باز هم ممکن است برای مخاطب عام سینما اندکی سخت فهم باشد و صرفاً با ابعاد اکشن و تخیلی آن ارتباط برقرار کند.

ایده اصلی فیلم تک‌خطی اما پیچیده است: یک ماده معدنی می‌تواند انرژی (سقوط) اشیا را وارونه و متفاوت با آن چیزی کند که تاکنون نولان طبعیت تا آن پایور داشته است و همین مسئله ممکن است زمینه‌ساز بروز جنگ جهانی سوم شود و سازمانی جاسوسی به نام «تنت» در تلاش است تا گرّه از این معما بگشاید؛ بنابراین در سطح ایده نیز علاوه بر اینکه نولان از یک موضوع ساده فراتر رفته بار دیگر آن را برای مخاطب عام دور از دسترس قرار داده است.

پارامتر اکشن فیلم تنها تکیه‌گاه و بند امیدی است که می‌توان به آن برای نگه داشتن مخاطب عام تا انتهای فیلم امیدوار باقی ماند و از قضا که این تنها کورسوی امید بسیار نیز خوب عمل می‌کند؛ نشان به این نشان که صحنه‌های اکشن و تخیلی فیلم کاملاً استاندارد و بدون عیب و ایراد است و لذت بصری ویژه‌ای برای مخاطب عام ایجاد می‌کند و از سوی دیگر سبک ویژه فیلم‌برداری در ساخته آخر نولان به طرزى است که مخاطب را در برابر خود میخکوب کرده و هیچ عیب و ایرادی نمی‌توان به این نحوه فیلم‌برداری وارد کرد.

بدل‌کاری‌های واقعی و تعقیب و گریزهای گشنده از دیگر مؤلفه‌هایی است که دائم با آدرنالین مخاطب در طول تماشا فیلم بازی می‌کند و به طرز مداومی شما را هیجان‌زده می‌کند.

در برخی صحنه‌های اکشن فیلم شاهد این هستید که تصویر کاملاً متأثر از صوت است و البته این تکنیکی است که نولان در این فیلم بیشتر به آن رسیده است به این معنا که مخاطب ترجیح می‌دهد به جای ارتباط بصری با فیلم بیشتر ارتباط صوتی داشته باشد و بیشتر فضای بازی رایانه‌ای در یک اتاق سرپیسته تاریخ را با صداهای کشنده در ذهن مخاطب تداعی می‌کند؛ مسئله‌ای که البته شاید برای مخاطب خاص چندان مهیج نباشد اما مخاطب عام به شدت از آن لذت می‌برد!

اگر پرستیز و تلقین را فیلم‌هایی بدانیم که نولان متمایز در هالیوود را به تصویر کشیده بدون تردید سه‌گانه تلمن و شوالیه تاریکی کارهایی است که نولان را در گیشه در رأس قرار داده اما قضاوت در مورد تنت کمی سخت‌تر است اما شاید بتوان آن را به نوعی شخصی‌ترین کار نولان قلمداد کرد؛ کاری که به رویه چرخشی نولان میان خودش و گیشه پایان می‌دهد و اثری حماسی از نظر بصری و مفهومی از نظر نولانی برای وی به ارمغان می‌آورد.

بازتولید متفاوت فیلم‌های جیمز باند با یک ایده زمینه‌ای دیوانه پیرامون فیزیک دانشگاهی تمام آن چیزی است که نولان در تنت به دنبال آن است؛ سازمانی جاسوسی را پای کار می‌آورد و صحنه‌های اکشن را نیز چاشنی کارش می‌کند و از نظر بصری؛ صحنه‌های دراماتیک را به مواد اولیه خود اضافه می‌کند و در نهایت اثری چشم‌نواز به ویژه از نظر تصویری را مقابل دیدگان مخاطب قرار می‌دهد.

اما همچنان از نظر مفهومی نولان تمایلی ندارد که مخاطب عام را به خود نزدیک کند و بیشتر ترجیح می‌دهد این جنس مخاطب را با فضای بصری پای کار خود نگه دارد؛ البته شاید در قضاوت نهایی بتوان این را نیز یک توانمندی قلمداد کرد؛ سنتز عجیبی که نولان در هالیوود به آن رسیده است؛ یکی برای مخاطب خاص سینما و یکی هم برای مخاطب عام و این تمام چیزی است که از سینما انتظار می‌رود.

اینک باید در انتظار نشست و دید آیا نولان این اثر را خاتمه‌ای بر کارنامه هنری خود قرار می‌دهد یا خیر زیرا شواهد و قراین موجود در تنت حاکی از این است که نولان به ویژه در آنچه شخصی‌سازی فیلم نامیده می‌شود به بلوغ رسیده و شاید نیاز به اثر دیگری در این سبک نباشد.

چایت را بنوش...

مستند «آنجا سپیده‌دم» ساخته محسن جهانی کارگردان و هاشم مسعودی، روایت پرستار بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) است که درخواست انتقال به بخش بیماران کرونایی را می‌دهد و برخلاف میل خانواده‌اش، به خط مقدم جبهه مبارزه با کرونا می‌رود. این مستند که در دو بخش مسابقه ملی و ویژه کرونای جشنواره حضور دارد، روایتگر زندگی محسن جهانی، پرستار بیمارستان امام رضا(ع) مشهد است که از نزدیک با فاجعه کرونا روبه‌رو شده است؛ چند ماه دوری اجباری از همسر و دخترش و فشار کاری سختی که بخش بیماران کرونایی، پرستاران و کارکنان این بخش متحمل می‌شوند، از نگاه او روایت می‌شود. به دلیل نزدیکی و ارتباط بی‌واسطه مخاطب با قصه، شیوه موبایل‌گرافی برای روایت انتخاب شده است. بخش‌های ابتدایی مستند که اتفاق‌ها با یک موبایل معمولی تصویربرداری شده، کیفیت صدا و تصویر چندان خوب نیست ولی پس از اینکه سوزه برای حمایت به مرکز مستند سوره حوزه هنری معرفی می‌شود به دلیل ظرفیت‌های بالایی که دارد از سوی این مرکز، روی آن سرمایه‌گذاری شده و تجهیزات مورد نیاز تأمین می‌شود. پس از گذشت یک سوم از روایت که تصویر و صدا با کیفیت نسبتاً پایینی ضبط شده، در دو سوم نهایی فیلم، تصاویر شارپ‌تر با لرزش کمتر و کیفیت صدای بهتر را شاهدیم.

با وجود اینکه این مستند به دلیل حجم بالای راش‌ها و اتفاق‌ها می‌توانست در دام آشفتگی و پراکندگی در روایت بیفتد اما داشتن قصه مشخص و تدوین خوب موجب شده که نتیجه کار از روایتی یکدست، جذاب و با ریتم تند برخوردار شود. راوی این مستند، کارگردان و نویسنده اثر است که زندگی خودش را روایت می‌کند، از قهر و آشتی همسرش به دلیل تصمیم انتقالش به بخش کرونایی بیمارستان گرفته تا دل‌تنگی و خستگی‌هایش از روزگاری که هیچ وقت تصورش را هم نمی‌کرد. اتفاقی که اگر روایت نمی‌شد در بایگانی بی‌نهایت اتفاق‌های ثبت نشده، فراموش می‌شد. جهانی در این مستند، هم پرستار است و هم مستندساز، هم شوهر است و هم پدر، هم همدم رفیق دادگارش است و هم عزادار فوت همکارش. سیر زمانی

تلویزیون

امسال تلویزیون ویژه‌برنامه‌ای برای شب یلدا ندارد و بیشتر شبکه‌ها به مناسبت شب یلدا برنامه‌های روتین خود را با حال و هوای این مناسبت ملی به روی آنتن می‌برند. برنامه‌های «دستیخت»، «ایرانش»، «زوجی نو»، «شب‌های هنر»، «انار» و «کتاب‌باز» در طولانی‌ترین شب سال به صورت ویژه‌برنامه از شبکه‌های مختلف تلویزیونی پخش می‌شوند. همچنین دو برنامه قدیمی تلویزیون «رادپو هفت» و «قند پهلو» در شب یلدا به آنتن باز خواهند گشت.

«دستیخت» شبکه یک برای یلدا

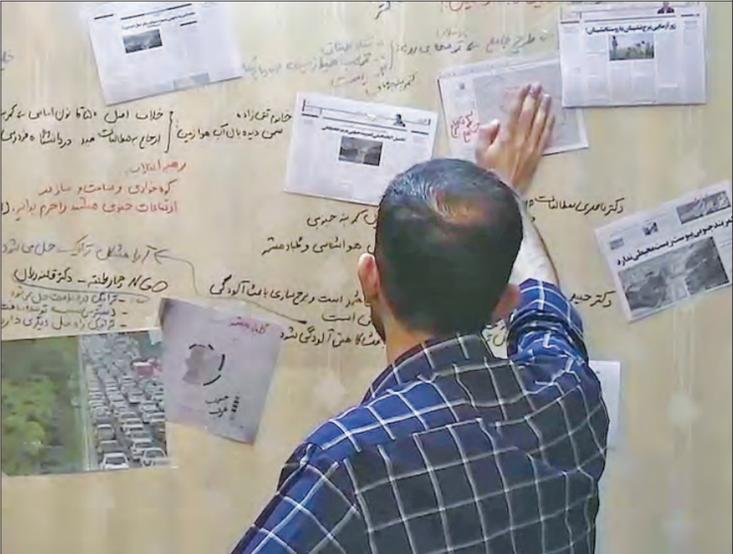
سال گذشته علی ضیاء با برنامه «فرمول یک» عهده‌دار آنتن یلدا در شبکه یک بود. پیش از این در برخی برنامه‌ها ویژه‌برنامه «فرمول یک» برای یلدا امسال خیر داده بودند اما برنامه یلدایی شبکه یک مسابقه «دستیخت» خواهد بود. این برنامه که این روزها همچنان با حاشیه دست و پنجه نرم می‌کند، به مناسبت یلدا از شبکه یک به روی آنتن خواهد رفت. «دستیخت» به حضور سه تن از بازیگران به عنوان داروان مسابقه روی آنتن می‌رود و شرکت‌کنندگان قرار است غذاهای محلی و سفره‌آرایی مخصوص شب یلدا را به نمایش بگذارند. این برنامه از ساعت ۱۹ و ۳۰ پخش می‌شود.

«ایرانش» و آداب و رسوم ایرانی در شبکه دو

شبکه دو سیما با ویژه‌برنامه «ایرانش» با اجرای مجید واشقانی و گیتی خامنه، به گرم‌آبادشت این آیین کهن ایرانی و جشن ولادت حضرت زینب(س) می‌پردازد. ویژه‌برنامه «ایرانش» به مناسبت شب یلدا طی دو شب شنبه و یکشنبه (۲۹ و ۳۰ آذر ماه) پس از گفت‌وگوی ویژه خبری روانه آنتن خواهد شد. پیش

نگاهی به چند فیلم اکران شده در چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند «حقیقت»

از صفر مرزی تا ارتفاعات جنوبی



زهره کهندل: جشنواره فیلم «حقیقت» برای فیلمسازان عرصه مستند مانند جشنواره فیلم «فجر» برای فیلمسازان داستانی دارای اهمیت است. این جشنواره آذر ماه هر سال از سوی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی سازمان امور سینمایی در شهر تهران برگزار می‌شود اما امسال به دلیل فراگیری کرونا، چهاردهمین دوره جشنواره در شمالیی جدید به صورت برخط از ۲۵ آذرماه آغاز شده و نمایش فیلم‌های رسیده به جشنواره از طریق پلتفرم‌های نمایشی تا ۲ی ماه ادامه دارد. در دو روز گذشته روزانه حدود ۸۰ عنوان فیلم برای علاقه‌مندان به نمایش درآمده است. در ادامه به معرفی چند مستند اکران شده در این جشنواره می‌پردازیم. جشنواره‌ای که می‌تواند آرشیمی غنی از حوادث و آدم‌های سراسر کشور را جمع‌آوری کرده و بخشی از حافظه تاریخی ایران را مستند کند.

مستند «آنجا سپیده‌دم» از اواخر سال گذشته شروع می‌شود و هنوز ادامه دارد، همچنان که این ویروس از جهان پاک نشده است و آخرین سکانس این مستند یادآور این بخش از شعر نیمایوشیخ است که «چایت را بنوش نگران فردایت نباش از گندمزار من و تو مشتکی که می‌ماند برای بادها».

سربازی در نقطه صفر مرزی

محسن اسلام‌زاده از مستندسازان بحران است که برای ساخت آثار قبلی‌اش در میان طالبان و در جوار داعشی‌ها حضور داشته است و هر بار نام او در مستندی دیده می‌شود باید منتظر روایت بحران بود. او در «آلوسان» به همراه دو مستندساز دیگر سعید فرجی و میثم صبوچی به یک پاسگاه مرزی در شمال غرب کشورمان رفته است. آن‌ها در اسفند سال گذشته و آستانه عید نوروز، میهمان مرزبانان شدند تا قصه سربازی را از نقطه صفر مرزی روایت کنند.

در این فیلم، گروه سازنده مستند به دنبال تجربه‌ای متفاوت هستند اما نمی‌دانند که چه خطری آن‌ها را تهدید می‌کند، ممکن است در حین عملیات به خاطر دمای پایین و بارش‌ها دچار سرمازدگی شوند یا ناخواسته مورد اصابت گلوله قاچاقچیان قرار بگیرند. اسلام‌زاده به همراه تصویربرداران مستند به منطقه‌ای رفته است که سرمایش استخوان‌سوز است اما سربازانی برای دفاع از مرزهای کشورمان، تمام روزهایشان را با این سرما و شد شرایط سخت سپری می‌کنند، به طوری که کرونا، اولویت دوم را در برابر شرایط سخت آلوسان دارد.

مستند با تصاویری از نقطه اوج (اعزام به عملیات) آغاز می‌شود و کم‌کم به قصه مرزبانان می‌رسد. سربازانی که برخی از آن‌ها هیچ وقت با شرایط سخت روبه‌رو

تدارک تلویزیون برای بلندترین شب سال

برنامه‌های سیما رنگ یلدا می‌گیرند



از این احسان ارغوانی، تهیه‌کننده این برنامه از تدارک برنامه با حضور هنرمندان و کارشناسان حوزه فرهنگ و هنر روی آنتن می‌رود. حضور نادر مشایخی در این برنامه قطعی شده است. همچنین قرار است یک گروه موسیقی هم در برنامه حاضر شود. جواد مولانیا، علیرضا بهرامی و رضا مهدوی اجرای این برنامه را بر عهده دارند. «شب‌های هنر» همزمان با شب یلدا ساعت ۲۲ به روی آنتن خواهد رفت.

شبکه پنج با ویژه بر نامه «انار» به استقبال یلدا می‌رود

فرشید مهدوی، تهیه‌کننده ویژه‌برنامه «انار» شبکه پنج سیما در گفت‌وگویی با ایسنا، درباره جزئیات این برنامه توضیح داد: در فضایی سنتی به مرور خاطرات یلدا با حضور هنرمندان، خوانندگان و گویندگان خواهیم پرداخت. ضمن اینکه حضور خوانندگان در این برنامه بیشتر به چشم خواهد آمد. به نوعی که سعی کرده‌ایم حس و حال موسیقایی بیشتری به مخاطبان منتقل کنیم. این ویژه‌برنامه به مناسبت شب یلدا از روز جمعه

است اما طرح ناقص مسئله و به سرانجام نرساندن موضوع (که دلیل آن شتابزدگی در تولید است) می‌تواند از آسیب‌های جدی این عرصه باشد. آنچه در مستند «نفس‌خوار» که شرکت‌کننده بخش شهید آوینی جشنواره حقیقت است، دیده می‌شود شتاب‌زدگی در تولید است. این مستند با طرح مسئله یکی از روستاهای جنوبی مشهد به نام «قلعه سرهنگ» آغاز می‌شود که با پیشروی شهر به سمت ارتفاعات و ساخت و ساز برج‌ها و مجتمع‌ها مانند بقیه روستاهای این ناحیه جزئی از شهر شده اما از خدمات شهری کاملاً بی‌بهره است تا مردم این روستا آنجا را ترک کنند. قصه اصلی اما درباره ارتفاعات جنوبی مشهد است که شش‌های تنفسی این شهر به شمار می‌روند ولی ساخت و سازهای غیرقانونی موجب شده که نفس این شش‌ها به شماره بیفتد.

این مستند به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سیدمحمد محمدی سرشت و علی سلمانی، زخمی عمیق و کهنه را باز می‌کند اما به جای عمل جراحی، به بستن پانسمان روی زخم بسنده می‌کند. موضوع مهم و حساسی که رهبر انقلاب سال‌ها پیش نسبت به آن اعلام موضع کردند و گفتند که باید جلویش گرفته شود، می‌توانست به یک مستند چنجالی تبدیل شود اما به دلیل روایتی ناقص، در حد طرح مسئله باقی مانده است. سلمانی که نویسنده و کارگردان اثر است به عنوان یک فعال اجتماعی، موضوع را پیگیری می‌کند و نقشه‌ای را برای اتصال سرنخ‌ها روی دیوار اتاقش می‌کشد اما سرنخ‌های او محدود قرار است قسمت اول سری جدید برنامه، شب یلدا، که او به عنوان سرنخ‌ها برای پاسخگویی می‌یابد، درخواست مصاحبه‌اش را پشت تلفن رد می‌کنند و آنچه در مستند از تلاش سلمانی برای یافتن این افراد نمایش داده می‌شود فقط در حد همان رد درخواست پشت تلفن است در حالی که انتظار می‌رفت

اصرار و پیگیری برای گفت‌وگوها بیشتر باشد. نبود صحبت‌های افرادی که در مظان اتهام هستند سبب شده که مستند یکجانه شود در حالی که مستندساز می‌توانست راه‌های مختلفی را برای پاسخگویی این افراد به کار گیرد و آن‌ها را روبه‌روی دوربینش بنشانند.

کرونای کهنه ارتفاعات جنوبی مشهد

ساخت مستندهای تحقیقی حرکت بر لبه تیغ است، هم می‌تواند افشاگرانه و گزنده باشد و هم می‌تواند در حد یک گزارش تلویزیونی باقی بماند. اگر این مستندها شتابزده ساخته شوند در پیله طرح مسئله باقی می‌مانند و به پروا نگی نمی‌رسند. اتفاق‌هایی که خبر از فساد پشت پرده مدیران در ادوار مختلف می‌دهد، سوزه‌های جذاب و وسوسه‌کننده‌ای برای مستندسازان

باز گشت «رادپو هفت» و «قند پهلو» با یلدا در شبکه آموزش

یکی از اتفاق‌های جدید در یلدای ۹۹ تلویزیون، بازگشت برنامه محبوب «رادپو هفت» به شبکه آموزش است. قرار است قسمت اول سری جدید برنامه، شب یلدا ساعت ۲۲ پخش شود. این برنامه با اجرای منصور ضابطیان و رشید کاکاوند و چند مجری دیگر، شب یلدا به روی آنتن می‌رود. این برنامه پس از یلدا ادامه خواهد داشت. همچنین شبکه آموزش ویژه برنامه دیگری با عنوان «قند پهلو» به تهیه‌کنندگی امیر قمیشی برای شب یلدا در نظر گرفته است. این برنامه یکشنبه

سی‌ام آذرماه از ساعت ۲۰ تا ۲۲ با اجرای ناصر سیف، شهرام شکبیا و رضا رفیع به روی آنتن شبکه آموزش می‌رود.

«کودک شو»، «کتاب باز» و «شوبتالی‌ها» یلدایی می‌شوند

برنامه «کتاب‌باز» امسال هم مانند سال گذشته، در شب یلدا با حال‌وهوای متفاوتی روی آنتن خواهد رفت. حمید گودرزی در برنامه «کودک‌شو»، اجرای ویژه‌برنامه یلدایی این مسابقه را برعهده خواهد داشت. این مسابقه که معمولاً در مناسبت‌های خاص میزبان چهره‌ها بوده، در شب یلدا هم با حضور هنرمندان پخش خواهد شد. البته ساختار این مسابقه با دیگر قسمت‌های آن متفاوت است و سنت‌های شب یلدا در آن اجرا خواهد شد.

سری جدید «شوتبال» که به تازگی به کنداکتور شبکه نسیم اضافه شده هم یکی از ویژه‌برنامه‌های این شبکه خواهد بود.